

بسم الله الرحمن الرحيم

صلوات الله وسلامه عليك يا امير المؤمنين

عنوان و نام پدیدآور

ارج نامه علامه میر حامد حسین لکهنوی: مدافع ولایت و خاندان عصمت و صاحب کتاب عبقات الانوار/ سید هادی حسینی؛ به همت کنگره شعر آفتاب مشهد الرضا عليه السلام؛ با همکاری دبیرخانه کنگره بین المللی بزرگداشت علامه میر حامد حسین رحمته الله؛ سرویراستار علمی مهدی اسفندیاری؛ [برای] بنیاد بین المللی امامت. قم: بنیاد بین المللی امامت، نشر امامت اهل البيت الطاهرين عليه السلام، ۱۴۰۳.

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

اطلاعات رکورد کتابشناسی

۳۷۶ ص: نمونه.

نشر امامت اهل البيت الطاهرين عليه السلام؛ ۱.

مجموعه آثار کنگره علامه میر حامد حسین رحمته الله؛ ۶۱.

۹۷۸-۶۲۲-۹۱۵۳۸-۰-۲

فیبا

کتابنامه: ص. [۳۶۹] - ۳۷۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

میر حامد حسین لکهنوی کنتوری، ۱۸۳۰ - ۱۸۸۸ م. -- یادنامه ها

میر حامد حسین لکهنوی کنتوری، ۱۸۳۰ - ۱۸۸۸ م. -- نقد و تفسیر

مجتهدان و علما -- هند

Ulama -- India'

حسینی، سید هادی، ۱۳۴۳-۱۴۰۰.

اسفندیاری، مهدی، ۱۳۵۸-، ویراستار

کنگره شعر آفتاب مشهد الرضا عليه السلام

کنگره بین المللی بزرگداشت علامه میر حامد حسین

لکهنوی رحمته الله (۱۴۰۲ : قم)

International Congress in Honor of 'Allamah Mīr Hamid Husayn Lakhnawī (RA) (2023 : Qom)

بنیاد بین المللی امامت

BP۱۱۶

۲۹۷/۹۹۸

۹۷۴۱۱۷۷

فیبا



ارج نامہ علامہ میرحامد حسین لکھنوی

مدافع ولایت و خاندان عصمت
و صاحب کتاب عقبات الأنوار

سید ہادی حسینی

بہ ہمت کنگرہ شعر آفتاب مشهد الرضا علیہ السلام
و با همکاری دبیرخانہ کنگرہ بین المللی
بزرگداشت علامہ میرحامد حسین علیہ السلام

۱۴۰۳



بنیاد بین المللی امامت
Emamat International Foundation
مؤسسة الإمامة الدولية



ارج نامه علامه میر حامد حسین لکهنوی
مدافع ولایت و خاندان عصمت
و صاحب کتاب عبقات الأنوار



سید هادی حسینی

ناشر: نشر امامت اهل البيت الطاهرين عليه السلام
چاپ: اشراق / نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳ ش
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

به همت کنگره شعر آفتاب مشهد الرضا عليه السلام
و با همکاری دبیرخانه کنگره بین المللی
بزرگداشت علامه میر حامد حسین رحمته الله

تمام حقوق محفوظ است.

مرکز پخش

قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه
همکف، پلاک ۱۱، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۴۴۳

فهرست مطالب

مقدمه دبیرخانه کنگره.....	۱۵
مقدمه علمی استاد علی اکبر مهدی پور.....	۱۹
هنجارشکنان.....	۱۹
خط شکنان.....	۲۱
جایگاه کتاب عبقات الأنوار.....	۲۵
استدراک از ردیه ها.....	۲۶
ردیه هایی بر مختصر تحفه.....	۲۸
نیم نگاهی به کتاب تحفه.....	۲۹
نمی ازیم.....	۳۶
پیشگفتار.....	۳۹
سرآغاز.....	۴۷
اسلام در هندوستان.....	۵۱
فصل اول: شرح حال علامه میر حامد حسین هندی رحمته الله	۵۷
نسب نامه.....	۵۹
خاندان میر حامد حسین رحمته الله	۶۰
ماجرای شاه محمد تغلق.....	۶۳
سید جمال الدین.....	۶۵
سید محمد حسین (جد صاحب عبقات).....	۶۵
سید محمد قلی (پدر صاحب عبقات).....	۶۵

شاگردان	۷۰
آثار	۷۱
درگذشت	۷۹
پسران سید محمد قلی	۸۱
۱. سید سراج حسین	۸۲
۲. اعجاز حسین (۱۲۴۰-۱۲۸۶ ق)	۸۳
آثار	۸۶
درگذشت	۸۸
۳. میر حامد حسین	۸۹
فرزندان میر حامد حسین	۸۹
سید ناصر حسین	۸۹
خدمات فرهنگی و اجتماعی	۹۸
آثار علمی	۹۸
درگذشت	۱۰۰
سید ذاکر حسین	۱۰۱
نوه های میر حامد حسین	۱۰۱
۱. سید محمد نصیر	۱۰۱
۲. سید محمد سعید	۱۰۳
۳. سید ساجد حسین	۱۰۶
نبیره های میر حامد حسین	۱۰۷
ضیاء الحسن	۱۰۷
طاهر مظفر حسین	۱۰۷
برادر زادگان میر حامد حسین	۱۰۹
کرامت حسین	۱۰۹
خواهر زادگان میر حامد حسین	۱۱۰
تصدق حسین	۱۱۱
میر حامد حسین	۱۱۲
تولد	۱۱۲

فهرست مطالب ۷

دوران کودکی و نوجوانی.....	۱۱۲
دوران بلوغ.....	۱۱۴
دوران تحقیق و تألیف.....	۱۱۵
سفر به عتبات.....	۱۱۵
جد و جهد پایان ناپذیر.....	۱۱۶
برکت آثار.....	۱۱۶
تو را طاقت نباشد از شنیدن.....	۱۱۶
پرهیز از استفاده از کالاهای صنایع غیرمسلمان.....	۱۱۷
میر حامد حسین علیه السلام و سپر بلا و مایه برکت و رحمت.....	۱۱۸
میر حامد حسین علیه السلام و مقام شفاعت.....	۱۲۱
میر حامد حسین علیه السلام و مقام شهادت.....	۱۲۱
میر حامد حسین علیه السلام و رزق مقسوم.....	۱۲۳
ارشاد در برزخ.....	۱۲۶
شاگردان.....	۱۲۸
آثار.....	۱۲۹
یادآوری.....	۱۳۲
درگذشت.....	۱۳۲
فصل دوم: تقریظ‌ها و ستایش عالمان.....	۱۳۷
آیت الله زین العابدین مازندرانی حائری علیه السلام (۱۲۲۷-۱۳۰۹ق).....	۱۳۹
میرزا محمدعلی کشمیری (۱۲۶۰-۱۳۰۹ق).....	۱۴۲
آیت الله سید میرزا محمدحسن شیرازی علیه السلام (۱۲۳۰-۱۳۱۲ق).....	۱۴۳
آیت الله سید محمدحسین شهرستانی علیه السلام (۱۲۵۵-۱۳۱۵ق).....	۱۴۵
آیت الله میرزا حسین نوری علیه السلام (۱۲۵۴-۱۳۲۰ق).....	۱۴۷
میرزا مهدی کشمیری (۱۲۸۲-۱۳۳۰ق).....	۱۴۹
عبدالحی حسینی (از علمای سنی صوفی مسلک، ۱۲۸۶-۱۳۴۱ق).....	۱۵۱

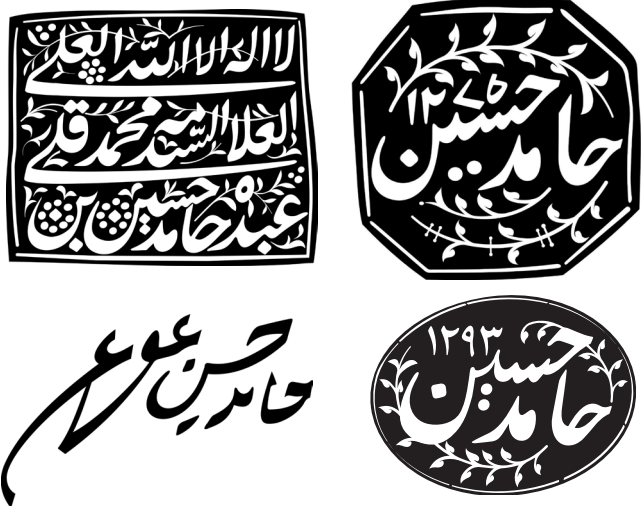
.....	۱۵۳	علامہ محدث قمی رحمۃ اللہ علیہ (۱۲۹۰-۱۳۵۹ق)
.....	۱۵۶	سید محسن امین عاملی رحمۃ اللہ علیہ (۱۲۸۴-۱۳۷۱ق)
.....	۱۵۶	میرزا محمد علی مدرّس تبریزی رحمۃ اللہ علیہ (۱۲۹۶-۱۳۷۳ق)
.....	۱۵۷	آیت اللہ شیخ آقابزرگ تهرانی رحمۃ اللہ علیہ (۱۲۹۳-۱۳۸۹ق)
.....	۱۵۹	علامہ امینی رحمۃ اللہ علیہ (۱۳۲۰-۱۳۹۰ق)
.....	۱۶۰	یادآوری
.....	۱۶۰	ستایش شماری از فرزندگان عصر حاضر
.....	۱۶۰	مرتضی حسین (۱۳۴۱-۱۴۰۷ق)
.....	۱۶۱	امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ (۱۳۲۰-۱۳۶۸ش)
.....	۱۶۲	علامہ سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی (۱۳۰۸-۱۳۷۴ش)
.....	۱۶۵	حجت الاسلام عبدالرحیم عقیقی بخشایشی (۱۳۶۱-۱۴۳۳ق)
.....	۱۶۶	آیت الله غلام رضا مولانا بروجردی (۱۳۰۶-۱۳۹۴ش)
.....	۱۶۸	آیت الله شیخ مهدی فقیه ایمانی (۱۳۰۸-۱۳۹۹ش)
.....	۱۶۹	علامه استاد محمدرضا حکیمی (۱۳۱۴-۱۴۰۰ش)
.....	۱۷۱	آیت الله سید علی میلانی (متولد ۱۳۲۷ش)
.....	۱۸۰	دکتر مهدی خواجه پیری (متولد ۱۳۳۴ش)
.....	۱۸۳	عبدالحسین طالعی (متولد ۱۳۴۰ش)
.....	۱۸۷	حجت الاسلام رضا مختاری (متولد ۱۳۴۲ش)
.....	۱۸۸	حجت الاسلام محمدتقی سبحانی (متولد ۱۳۴۲ش)
.....	۱۹۲	حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه (متولد ۱۳۴۵ش)
.....	۱۹۵	ناصرالدین انصاری قمی (متولد ۱۳۴۶ش)
.....	۱۹۷	حجت الاسلام مهدی اسفندیاری (متولد ۱۳۵۸ش)
.....	۲۰۱	فصل سوم: عبققات الأنوار
.....	۲۰۳	ماجرای کتاب تحفه اثنا عشریه
.....	۲۰۴	فهرست کتاب تحفه اثنا عشریه

ردیه‌ها بر تحفه اثنا عشریه	۲۰۵
۱. محمد بن عبدالنبی نیشابوری اکبرآبادی	۲۰۶
۲. آیت الله العظمی سید دلدارعلی نصیرآبادی (غفران مآب)	۲۰۶
۳. سید محمد بن سید دلدارعلی (سلطان العلما)	۲۰۷
۴. میرزا محمد کامل عنایت، طبیب کشمیری دهلوی	۲۰۷
۵. سید محمدقلی موسوی نیشابوری	۲۰۷
۶. سبحان علی خان هندی	۲۰۷
۷. سید جعفر موسوی بنارسی (معروف به ابوعلی خان)	۲۰۸
۸. مفتی سید محمدعباس شوشتری	۲۰۸
۹. خیرالدین اله آبادی	۲۰۸
یادآوری	۲۰۹
عبقات الأنوار فی امامة الائمة الاطهار	۲۰۹
عبقات از زبان صاحب عبقات	۲۰۹
عبقات، مصداق بهترین کار	۲۱۰
عبقات، مصداق کار استوار و بنیادین	۲۱۲
عبقات، معیار شخصیت شناسی میر حامد حسین رحمته الله	۲۱۳
اسلوب عبقات	۲۱۴
موضوع کتاب عبقات	۲۱۷
آیات	۲۱۷
۱. آیه ولایت	۲۱۷
۲. آیه تطهیر	۲۱۷
۳. آیه مؤدت	۲۱۸
۴. آیه مباهله	۲۱۸
۵. آیه هادی (راهنما)	۲۱۸
۶. آیه بازخواست	۲۱۸
۷. آیه سابقه	۲۱۸
روایات	۲۱۹
۱. حدیث غدیر	۲۱۹

۲۱۹.....	۲. حدیث منزلت.....
۲۲۰.....	۳. حدیث ولایت.....
۲۲۱.....	۴. حدیث طیر (پرنده).....
۲۲۲.....	۵. حدیث مدینۃ العلم (شہر علم).....
۲۲۲.....	۶. حدیث تشبیہ.....
۲۲۳.....	۷. حدیث مناصبہ.....
۲۲۴.....	۸. حدیث نور.....
۲۲۵.....	۹. حدیث رایت (پرچم).....
۲۲۶.....	۱۰. حدیث حق با علی علیہ السلام است.....
۲۲۶.....	۱۱. حدیث مقاتلہ.....
۲۲۷.....	۱۲. حدیث ثقلین.....
۲۲۷.....	۱۳. حدیث سفینہ.....
۲۲۸.....	تعریبِ عبقات الأنوار.....
۲۲۸.....	تلخیص عبقات الأنوار.....
۲۲۹.....	تذیل عبقات الأنوار.....
۲۲۹.....	تکمیل عبقات الأنوار.....
۲۳۰.....	چاپ های عبقات الأنوار.....
۲۳۰.....	۱. چاپ های سنگی عبقات.....
۲۳۲.....	۲. چاپ های افست عبقات.....
۲۳۳.....	۳. چاپ حروفی و کامپیوتری عبقات.....
۲۳۴.....	خلاصہ عبقات الأنوار.....
۲۳۴.....	ناکامی در رد عبقات الأنوار.....
۲۳۶.....	احیای عبقات الأنوار و دیگر آثار میر حامد حسین رحمۃ اللہ علیہ و خاندان عبقات.....
۲۳۸.....	دربارہ کتابخانہ ناصریہ.....
۲۴۳.....	کتاب عنایتی.....
۲۴۴.....	شرح حال میر حامد حسین رحمۃ اللہ علیہ در شماری از آثار.....
۲۴۵.....	کتاب ها.....
۲۴۸.....	نشریات.....
۲۴۹.....	نرم افزارها.....

۲۴۹	 سخن پایانی
۲۵۱	 فصل چهارم:
۲۵۱	 اشعار
۲۶۳	 ۱. اشعار عربی
۲۶۳	 قصیده اول
۲۶۹	 قصیده دوم
۲۷۲	 قصیده سوم
۲۷۶	 قصیده چهارم
۲۸۲	 قصیده پنجم
۲۸۶	 قصیده ششم
۲۹۲	 قصیده هفتم
۲۹۵	 قصیده هشتم
۲۹۸	 قصیده نهم
۳۰۱	 قصیده دهم
۳۰۴	 قصیده یازدهم
۳۰۸	 قصیده دوازدهم
۳۱۶	 قصیده سیزدهم
۳۲۰	 قصیده چهاردهم
۳۲۴	 قصیده پانزدهم
۳۲۸	 قصیده شانزدهم
۳۳۱	 قصیده هفدهم
۳۳۶	 قصیده هجدهم
۳۴۰	 قصیده نوزدهم
۳۴۹	 قصیده بیستم
۳۵۳	 قصیده بیست و یکم

ب) اشعار فارسی	۳۵۵
غزل - قصیده - قطعه (به ترتیب حروف آخر اشعار)	۳۵۵
چهارپاره (به ترتیب نام شاعران)	۳۵۹
مثنوی	۳۶۴
رباعی (به ترتیب نام یا تخلص شاعران)	۳۶۷
کتاب نامه	۳۶۹
مقالات	۳۷۶
سایت ها	۳۷۶



نمونه مهرها و امضای علامه میر حامد حسین لکھنوی رحمۃ اللہ علیہ

مقدمه دبیرخانه کنگره

در آسمان دلدادگی به امیرمؤمنان علیه السلام و بذل سرمایه عمر، ستارگان پرفروغی درخشیدند که گذری بر زندگانی پرمایه و گهربارشان خردهای انسانی را سرگشته می سازد. میر حامد ژرف نگر و باریک بین، با دانش های باارزش و پشتکار اعجازآمیزش، برای اعلان درستی جانشینی بی چون و چرای حضرت امیر علیه السلام آوایی از خاور تا باختر آفاق بشری سر داد. بوی خوش غنچه های عبقات الأنوار وی اقیانوس تاریک، پرموج و خطرآفرین دشمنی های بنده عزّی را در تحفه شرورانه اش درنوردید. ارمغانی از کوردل دهلی که با پنداری خام می خواست با دوازده درِ دوزخی تحفه اثنا عشریه اش ولایت شیطان را بر ولایت خدای مّتان چیره سازد، اما غافل بود که بوی دلپذیر بوستان منقبت نگاری عبقات در تمام جهان می پیچد و مشام فرهنگ آسیب دیده ملت های اسلامی که غافلانه از پذیرش ولایت امام الهی دور افتاده بودند را خواهد نواخت. سفره گسترده و چشم نواز کتاب بزرگ و پرفایده آن قدیس دوران با روشی مثال زدنی روح های تشنه را از زلال آیات قرآن کریم و بیانات نبی مکرم صلی الله علیه و آله تغذیه کرده است. آن غواص عمق پیما چنان لعل و گهرهای گفته و ناگفته در شرح ویژگی های قیاس ناپذیر صاحب غدیر علیه السلام را از آیات شریفه و خبرهای صحیح استخراج کرده است که مجالی برای یاوه گویی ها و هرزه درایی های دهلوی و دیگر زبان درازان ولایت ستیز، از ابتدای غدیر تا برپایی رستاخیز، نمی گذارد. بنیان استواری که باطل در او راه ندارد و سزا است که سواطع یادداشت های نامدارترین اندیشوران دوران در وصف درون مایه های نهفته اش نورافشانی کند. اثری که در پس تحمل مشقت های فزون

از قیاس، نقطه عطف تازه‌ای در سنگربانی حریم ولایت آفرید و گذشتگان را دعاگو و آیندگان را نمک‌گیر خوان خود کرد.

اما در چرخش زمان نامهربان، او و کتاب بی‌همتایش غبار گرفت و غریب ماند. آن همه ستایش‌ها و مدح‌نوشته‌های بزرگان هم نتوانست سببی برای احیای او و کتابش باشد. سفره‌اش گسترده، اما نامش دور و جدا افتاده ماند. در هر اثر امامتی بوی خوش کتاب و روش بی‌همتایش به مشام جان می‌رسد، اما از خود کتاب او و حتی گاهی در بی‌مهری‌ها از یاد او هم خبری نیست.

در پس این هنگامه‌ها، آشنایان و علاقه‌مندانی بر آن شدند تا یاد او و کتابش را گرامی دارند. ایشان برای فراگیر شدن خاطره عبققات و صاحبش و یادبود تلاش‌های بی‌مانند وی، به شکل دبیرخانه‌ای فعال و مؤثر، سخت‌کوشانه و بی‌درنگ و به صورت‌های گوناگون، به گردآوری، تصحیح، تحقیق آثار و همچنین پدیدآوری نوشته‌های بایسته و درخور همت گماشتند. از این بین، اندازه‌های مختلف وجودی آن فردوس‌مآب و همچنین گوناگونی آمادگان‌آشنایی با آن پیکارجوی عرصه امامت، بایستگی نوع به نوع بودن فرآورده‌ها را آشکار ساخت. برای ساز و برگ این نیاز، افراد و گروه‌های مختلفی به میدان آمدند که از آن میان، سهم «کنگره شعر آفتاب مشهد الرضا علیه السلام» ستودنی است. آنها که پاکدلانه و بی‌آلایش و تنها برای گرامیداشت آن خردمند خستگی‌ناپذیر، افزون بر هم‌آهنگی جمعی از چکامه‌سرایان اهل بیت علیهم السلام در سرایش سرودهایی برای شناساندن شکوه و شوکت حامد حسین رحمته الله، کتابی پردامنه برای عموم نگاشتند. ارج و جاه آن دانا در این «ارج‌نامه» دست‌یافتنی است.

در این راه، نقش راهبری‌های مهربانانه حجت‌الاسلام والمسلمین استاد علی‌اکبر مهدی‌پور زیدعزه در دل‌های دلبستگان عبققات ماندنی است. همچنین حاج ناصر حسین‌پور (بندار) که اساس شکل‌گیری همراهی‌ها و یاری‌ها با او بوده و هست. اما آفریننده این اثر مانا که امروز در میان ما نیست و آرزومند همسایگی‌اش با صاحب

عَبَقَاتُ الْأَنْوَارِ وَصَاحِبُ وَلايَةِ حَضْرَتِ اميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ هَسْتِيم، مرحوم سيد هادی حسینی رحمته الله است که به شایستگی از پس کار برآمد.

روح الله کاظمی
دبیر کنگره بین المللی بزرگداشت
علامه میر حامد حسین رحمته الله

مقدمه علمی استاد علی اکبر مهدی پور

هنجار شکنان

در حجة الوداع، پیامبر اکرم ﷺ، در خطبه روز عرفه در عرفات و خطبه روز عید قربان در مسجد حَیَف در منا از خلافت مولای متقیان ﷺ سخن گفت. دو نفر از منافقان خلوت کردند و پیمان بستند که بعد از پیامبر اکرم ﷺ با تمام قدرت از خلافت امیرالمؤمنین ﷺ جلوگیری کنند. ابوعبیده جَرَّاح و سالم - غلام حُدَیْفه - نیز به این پیمان پیوستند، عهدنامه‌ای امضا کردند و آن را به ابوعبیده سپردند.

پیامبر اکرم ﷺ به ابوعبیده فرمود:

أَصْبَحْتَ أَمِینَ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛

امین این امت شدی.

تا روز غدیر خم، هم پیمانان فزونی یافتند و شمار اصحاب صحیفه به پانزده نفر رسید. اما بعدها هر یک از اصحاب صحیفه، هنگام احتضار، پشیمان می شدند و اعضای خانواده شان آنان را به هذیان گویی متهم می کردند.^۲

بعد از اعلام خلافت امیرالمؤمنین ﷺ در سرزمین غدیر، این افراد از پیامبر اکرم پیشی گرفتند و بر فراز کوه حَرَشی کمین کردند تا هنگام عبور پیامبر اکرم ﷺ از «ثنية العقبة» شتر آن حضرت را برمانند و او را به شهادت برسانند. پیک وحی فرود آمد و

۱. بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۱۵۴؛ ابن شهر آشوب، مثالب التواصی، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲. هلالی، کتاب سلیم، ص ۱۸۲-۱۸۶.

توطئه منافقان را به آن حضرت رساند. پیامبر اکرم خُذِیْه را از این حادثه خبردار کرد و اسامی آنان را به وی گفت و دستور داد که افسار شتر را محکم بگیرد. چون به ثنیه رسیدند، آسمان برقی زد و چهره منافقان برای همگان آشکار شد. علامه مجلسی این داستان را به تفصیل نقل می‌کند و اسامی منافقان را می‌شمارد.^۱

هنگار شکنی منافقان در صحرای غدیر در وجود نحس حارث بن نعمان فهری تبلور یافت که گفت: «امر فرمودی که لا اله الا الله بگوییم، گفتیم؛ فرمودی که تو را رسول خدا بنامیم، نامیدیم؛ دستور نماز، روزه و حج را دادی، انجام دادیم. اینک می‌گویی: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ". این سخن از تو است یا از خدا؟». حضرت سه بار فرمود: «از جانب خدا است». حارث با خشم و غضب برخاست و گفت: «خدایا، اگر آنچه محمد می‌گوید راست است، سنگی از آسمان بر ما بیار تا بلا و نعمتی برای ما و آیتی برای بعدی‌ها باشد». سپس بر مرکب سوار شد و به راه افتاد. سنگی از آسمان آمد و بر سرش خورد و به هلاکت رسید.^۲ وحی با نزول آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ»^۳ این حادثه را بیان کرده است.

هفتاد روز بعد، اصحاب صحیفه، پیامبر رحمت را به شهادت رسانیدند، آن‌گاه در سقیفه گرد آمدند و به صحیفه ملعونه خود جامه عمل پوشاندند. سپس با تهاجم به خانه وحی و کشتن جناب محسن، ثلث عترت طه را از بین بردند، خلافت الهی را از مسیر خود خارج کردند و ۲۵ سال خانه نشینی امام علی علیه السلام را رقم زدند.

بعد از آن نیز هنگامی که حق به صاحب حق رسید، با به راه انداختن جنگ‌های جمل، صفین و نهروان، از پیشرفت اسلام حقیقی جلوگیری کردند و سرانجام با به شهادت رساندن آن حضرت راه را برای غاصبان اموی، مروانی، عباسی، ایوبی و عثمانی هموار ساختند.

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار ج ۲۸، ص ۹۷-۱۱۱؛ ابن شهر آشوب، مثالب التواصی، ج ۲، ص ۱۲۲-۱۳۹.

۲. خرسان، موسوعة عبدالله بن عباس، ج ۱، ص ۲۳۸.

۳. «پرسنده‌ای خواستار عذابی ملموس شد» (سوره معارج، آیه ۱).

آنان برای تحریف دائمی خلافت فرهنگ سازی کردند و برای نقد امامت و ایجاد شبهه در میان پویندگان راه راست آثاری را پدید آوردند. اولین منتقد بحث امامت یمان بن رباب از خوارج بود. سپس قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفای ۴۱۵ ق) دو جلد از کتاب المغنی را به نقد امامت شیعی اختصاص داد. پس از او ابن تیمیه (متوفای ۷۰۷ ق) با نشر کتاب منهاج السنّة همه نصوص متواتر نبوی را زیر پا نهاد. سرانجام خواجه نصرالله کابلی با تألیف کتاب الصّواع الموبقة و نشر اکاذیب و تهمت های فراوان، راهیان صراط مستقیم را به کفر و بی دینی متهم کرد. عبدالعزیز دهلوی کتاب صواع را ترجمه کرد و آن را تحفه اثنا عشریه نام نهاد. این کتاب به زبان های دیگر نیز ترجمه و منتشر شد.

جای تعجب و تأسف است که تعداد کتاب هایی که در هندوستان و پاکستان علیه تشیع چاپ و منتشر شده است به ۸۰۰ عنوان می رسد؛ ۶۶۰ عنوان در پاکستان^۱ و ۱۴۰ عنوان در هندوستان^۲.

خط شکنان

در مقابل هنجارشکنان، عده ای از موالیان جان برکف در خط مقدم جبهه قرار گرفتند، از همه وابستگی های مادی چشم پوشیدند و با تمام توان از مقام مولای متقیان علیه السلام دفاع کردند. ابوذر ها، میثم ها، مالک اشتر ها، کمیت اسدی ها، دعبل خزاعی ها و فرزдық ها در یک سو و شیخ مفید ها، علم الهدی ها، کراجکی ها، علامه حلّی ها، قاضی نورالله ها، میر حامد حسین ها، سید شرف الدین ها، علامه امینی ها و سلطان الواعظین ها در سوی دیگر با تمام قوا، با بنان و بیان، از حق امام علی علیه السلام جانانه دفاع کردند. در ادامه به برخی از فعالیت های هنجارشکنان و پاسخ های خط شکنان به آنان اشاره می کنیم:

۱. ر.ک: نقوی، کتابیات علیه امامیه در پاکستان، ص ۱-۱۲۹.

۲. ر.ک: نقوی امروھی، فهرست کتب شبهات و ردیه های علمای شیعه در شبه قاره هند، ص ۲۹-۸۸.

۱. جاحظ (متوفای ۲۵۵ق) کتابی در دفاع از عثمان نوشت. معاصرش، ابوجعفر اسکافی (متوفای ۲۴۰ق)، صاحب کتاب المعیار والموازنة پاسخی دندان‌شکن بر آن نگاشت و آن را نقض العثمانیة نامید. این کتاب در ضمن کتاب مثالب التواصب ابن شهرآشوب چاپ شده است.^۱

ابوالجیش مظفر بن محمد بلخی (متوفای ۳۶۷ق) نیز کتاب نقض العثمانیة را در رد عثمانیة جاحظ نگاشت.^۲

ابومحمد ثُبیت بن محمد عسکری نیز کتابی به همان نام -در همین باره- تألیف کرده است.^۳

سید احمد بن موسی بن طاووس حسنی حلی (متوفای ۶۷۳ق) نیز کتابی در این موضوع نوشت و آن را بناء المقالة العلویة فی نقض الرسالة العثمانیة نامید.^۴ ابوالأحوص بصری، از متکلمان شیعه که با حسن نوبختی دیدار و از او روایت کرد، کتابی با عنوان الردّ علی العثمانیة نگاشت.^۵

۲. قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفای ۴۱۵ق) کتابی به نام المغنی دارد که در آن تهمت‌های فراوانی به شیعیان نسبت می‌دهد. سید مرتضی علم‌الهدی (متوفای ۴۱۵ق) کتاب گران‌سنگ الشافی را در رد آن نوشت و بر همه تهمت‌های او خط بطلان کشید. این کتاب در چهار مجلد به چاپ رسید^۶ و شیخ طوسی آن را تلخیص کرد و تلخیص الشافی نامید که در چهار جلد انتشار یافت.^۷

۱. ر.ک: ابن شهرآشوب، مثالب التواصب، ج ۲، ص ۳۴۰-۶۹۹.

۲. نجاشی، رجال، ص ۴۲۲، رقم ۱۱۳۰.

۳. همان، ص ۱۱۷، رقم ۳۰۰.

۴. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۳، ص ۱۵۰.

۵. ابن شهرآشوب، معالم العلماء، ص ۱۳۹.

۶. چاپ تهران، مؤسسه صادق، ۱۴۱۰ق.

۷. چاپ نجف اشرف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۳ق.

۳. شهاب الدین شافعی کتاب بعض فضائح الروافض را در نقد تشیع نگاشت که نصیرالدین عبدالجلیل قزوینی (متوفای حدود ۵۶۰ق) کتاب بعض مثال [مثالب] التواصب را در رد آن نوشت که با نام التَّقْض مشهور شد. این کتاب با تعلیقات ارزشمند مرحوم محدث ارموی در بیش از ۲۲۰۰ صفحه به چاپ رسیده است.^۱

۴. ابن حَجَر مکی (متوفای ۹۷۴ق) کتاب الصواعق المحرقة را در رد شیعیان نوشت و شهید قاضی نورالله شوشتری (شهادت ۱۰۱۹ق) کتاب الصّوارم المهرقة را در رد آن نگاشت.^۲

۵. خواجه نصرالله کابلی به نام الصّواعق الموبقة در رد شیعه نوشت.

۶. عبدالعزیز دهلوی کتاب خواجه کابلی را دزدید و با نام تحفه اثنا عشریه به نام خود منتشر کرد. شهید میرزا محمد کامل طبیب دهلوی (شهادت ۱۲۳۵ق) کتاب بسیار ارزشمند التّزهة الاثنا عشریة را در دوازده مجلد در رد ابواب دوازده گانه تحفه اثنا عشریه نوشت.^۳ کتاب التّزهة در زمان حیات دهلوی نوشته شد و معاندان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام مؤلف آن را با سَم به شهادت رساندند. بعد از ایشان ده ها رديه بر تحفه تألیف شد که با عناوین آنها در این کتاب آشنا می شوید.

جامع ترین، جالب ترین، مهم ترین و نفیس ترین رديه بر تحفه کتاب بی نظیر عبقات الأنوار، تألیف علامه ذوفنون مرحوم میر حامد حسین موسوی لکهنوی رحمته الله است. کتاب عبقات در دو بخش تنظیم شده است؛ بخش نخست درباره هفت آیه از قرآن کریم در اثبات امامت مولای متقیان علیه السلام است و بخش دوم درباره دوازده حدیث در اثبات امامت آن حضرت. بخش نخست تاکنون چاپ نشده و از بخش دوم هشت حدیث سامان یافته و چاپ شده که هر حدیث آن بسیار گسترده است، مثلاً بحث

۱. چاپ تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.

۲. چاپ تهران، دار مشعر، ۱۴۲۷ ق.

۳. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۲۴، ص ۱۰۸؛ همو، الکرام البررة، ج ۳، ص ۴۴۱.

درباره حدیث غدیر با تحقیقات مرحوم حاج شیخ غلامرضا مولانا بروجردی (متوفای ۱۴۳۷ق) در ده مجلد به چاپ رسیده است.^۱ آیت الله سید علی میلانی هشت حدیث چاپ شده را تعریف و تلخیص کرد که در بیست مجلد با عنوان نفحات الأزهار انتشار یافت.^۲ وی در جلد بیستم این اثر آیات ولایت را بررسی و با تکیه بر روش صاحب عبقات، آن را تدوین می‌کند.

قبل از صاحب عبقات، پدر بزرگوارش بر پنج باب از ابواب تحفه رد نوشت. رد باب دهم آن با نام تشیید المطاعن در شانزده جلد (و نیز یک جلد مقدمه) به چاپ رسیده است. آیت الله شبیری زنجانی از مرحوم محدث ارموی نقل می‌کند که دقت نظر ایشان فزون‌تر از پسرش میر حامد حسین رحمته الله بود.^۳

۷. مولوی حیدرعلی فیض‌آبادی (متوفای ۱۲۹۹ق) کتاب بسیار سخیفی در رد شیعه نوشت و آن را منتهی الکلام نام نهاد. صاحب عبقات برای آن یک ردیه ده جلدی به نام استقصاء الإفحام نوشت که برخی از مجلدات آن در سال ۱۳۰۵ق به چاپ رسید.^۴ خلاصه مَعَرَّب آن نیز با عنوان استخراج المرام من استقصاء الإفحام به قلم آیت الله میلانی منتشر شد.^۵

۸. فیض‌آبادی کتاب دیگری در رد شیعه به نام إزالة الغین نوشت که صاحب عبقات در رد آن إفحام أهل المین را در چند مجلد نوشت.^۶

۹. فضل الله بن روزبهان کتابی در نقد کتاب نهج الحق علامه حلی نوشت. قاضی نورالله شوشتری کتاب إحقاق الحق را در رد او نوشت که با حواشی مرحوم آیت الله

۱. چاپ سیدالشهداء رحمته الله، قم، ۱۴۰۴ق.

۲. نشر آلاء، قم، ۱۴۲۳ق.

۳. شبیری زنجانی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۳۵۱.

۴. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۲، ص ۳۱.

۵. چاپ قم، نشر آلاء، ۱۴۲۵ق.

۶. آقابزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۴۹.

مرعشی نجفی رحمته الله در ۴۰ مجلد به چاپ رسیده است.

۱۰. محمد بن عبد الوهاب چند اثر در رد عقاید شیعیان نوشت که تاکنون بیش از ۲۰۰۰ ردیه بر آثار وی چاپ و منتشر شده است.^۱

در میان همه آثاری که تاکنون در زمینه دفاع از اهل بیت و پاسخ به بداندیشان نوشته شده، کتاب عبقات الأنوار جایگاه ویژه‌ای دارد و سرآمد آنها به شمار می‌آید.

جایگاه کتاب عبقات الأنوار

بعد از انتشار کتاب عبقات، گروهی از بزرگان اهل سنت تصمیم گرفتند ردیه‌ای بر آن بنویسند، حاکم منطقه گفت: «من پول و امکانات می‌دهم، فقط برای پایان کار زمانی تعیین کنید». آنان پس از تعیین مدت، مشغول کار شدند. مهلت تعیین شده به پایان رسید و حاکم از آنها در مورد پیشرفت کار سؤال کرد. بزرگ آن گروه گفت: «ما در مقابل کتاب عبقات دو راه بیشتر نداریم: ۱. همه منابع اهل سنت را -که میر حامد حسین مطالب کتابش را از آنها نقل کرده- به دریا بریزیم یا ۲. همه در مقابل آن کرنش کنیم و به مذهب شیعه درآییم».

شایان توجه است که بعد از انتشار کتاب الغدیر نیز علمای الأزهر از جمال عبدالناصر تقاضا کردند که ورود این کتاب را به مصر ممنوع کند. او گفت: «نسخه‌ای به من بدهید تا ببینم». یک جلد از آن را به وی دادند. او پس از مطالعه آن گفت: «امینی در این کتاب از کتاب‌های شیعه چیزی نقل نمی‌کند و همه مطالب آن از منابع ما است. اگر بخواهیم آن را تحریم کنیم، باید نخست کتاب‌های خودمان را ممنوع کنیم».

باری، علمای مذاهب مختلف برای دفاع از آیین خود از تهمت، افترا و بستن دروغ به مذاهب دیگر کوتاهی نمی‌کنند، ولی علمای شیعه هیچ نیازی به جعل و

۱. نصر اصفهانی، کتاب شناسی نقد وهابیت، ص ۸.

تزویر و افترا ندارند، بلکه برای هر نکته و مطلبی دلایلی محکم از منابع دیگران دارند. اهل سنت (برخلاف آداب جدل و مناظره) برای رد عقاید شیعه ناگزیر از کتاب‌های خودشان دلیل می‌آورند، در حالی که علمای شیعه همه احادیث آن کتاب‌ها را قبول ندارند. برعکس علمای اهل سنت، اندیشمندان و عالمان امامیه در مقام دفاع از آیین تشیع فقط از منابع اهل تسنن، آن هم پس از اثبات اعتبار آنها، استفاده می‌کنند و از جعل و دروغ و نشر اکاذیب به شدت می‌پرهیزند.

استدراک از ردیه‌ها

پس از انتشار کتاب تحفه اثنا عشریه علمای هند و پاکستان ردیه‌های فراوانی بر آن نوشتند که برترین، جامع‌ترین و استوارترین آنها کتاب بی نظیر عبقات الأنوار است. غیر از کتاب شریف عبقات و کتاب تشیید المطاعن، علمای شیعه آثار فراوانی را در رد تحفه اثنا عشریه تألیف کردند که با عناوین برخی از آنها در این کتاب آشنا می‌شوید. برای تکمیل فایده، شمار دیگری از آنها را در این مقدمه معرفی می‌کنیم:

۱. اثنا عشریه از مؤلفی ناشناخته؛ نسخه خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

۲. الأجناد الاثنا عشریه المحمدیه از سید محمدقلی (پدر صاحب عبقات)؛ این عنوان در بردارنده پنج ردیه‌ای است که سید محمدقلی در رد برخی از ابواب تحفه نگاشت و بر هر یک از آنها نام جداگانه نهاد.

۳. الأجوبة الفاخرة از سید محمدقلی؛ این کتاب پاسخ به نقدی است که رشیدالدین دهلوی بر سیف ناصری نگاشت.

۴. الإمامة (به زبان عربی) و البوارق الموبقة (به زبان فارسی) از سلطان العلماء سید محمد، فرزند سید دلدارعلی (متوفای ۱۲۸۴ق) در رد باب هفتم تحفه.

۵. البارقة الصیغمية از سلطان العلماء، در رد باب دهم تحفه.

۶. برهان الصّادقین از سید جعفر موسوی بنارسی، در رد باب هفتم تحفه.
۷. التّزّه الاثنا عشریة از میرزا محمد کامل عنایت کشمیری معروف به شهید رابع (متوفای ۱۲۳۵ق)، در رد تمام ابواب تحفه.
۸. تجهیز الجیش لکسر صنمی قریش از مولوی حسن بن امان الله عظیم آبادی (متوفای ۱۲۶۰ق)؛ برخی آن را ردیه ای بر تمام کتاب تحفه می دانند.
۹. تحفه حنفیه در جواب تحفه اثنا عشریة، از زین العابدین خان (متوفای ۱۲۷۵ق).
۱۰. تحفه السّنة از میرزا محمد هادی لکهنوی (متوفای ۱۳۵۰ق)، در پانزده جلد.
۱۱. التّحفة المنقلبة از سید رضا حسن بن باقر علی نقوی، در بررسی تناقضات تحفه.
۱۲. التّمييز بین صوابع الکابلی و تحفة عبدالعزیز از سید العلما حکیم سید حسین گریان.
۱۳. جواب سؤالات تحفه اثنا عشریة از مؤلفی ناشناخته.
۱۴. جواب التّحفة از مولوی خیرالدین اله آبادی؛ برخی این کتاب را ردی بر تمام تحفه دانسته اند.
۱۵. صوارم الإلهیات وخاتمه از سید دلدار علی (متوفای ۱۲۳۵ق)، رد باب هفتم.
۱۶. رد تحفه از سبحان علی خان؛ نسخه خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.
۱۷. رد شاه عبدالعزیز دهلوی از سید علی حسین - ظاهرا - رد باب نهم.
۱۸. الرد علی التّحفة الإثنی عشریة از مرحوم اختر عباس - به اردو.
۱۹. رسالة فی غیبة الإمام از سید دلدار علی، در رد باب هفتم، مبحث غیبت.
۲۰. رسالة تکمیل القرآن از سید محمد حسین دهلوی (متوفای ۱۲۹۶ق)، رد باب دوم تحفه.
۲۱. رساله نافع از مقرب علی زائر، رد کل کتاب.

۲۲. طرف المعاندین - در جواز لعن مخالفین - از سید حسین بن دلدارعلی نقوی (متوفای ۱۲۷۳ق)، در رد باب دوازدهم تحفه.
۲۳. طعن الزمّاح از سلطان العلما سید محمد نقوی، در رد باب دهم تحفه.
۲۴. کشف الشبهة از شیخ احمد بن محمد علفی کرمانشاهی (متوفای ۱۲۳۷ق)، رد باب نهم تحفه.
۲۵. الثار الحاطمة از سید مقرب علی بن شیرعلی نقوی، در رد باب دوازدهم تحفه.
۲۶. نفاق الشیخین بحکم أحادیث الصّحیحین از سید محمدقلی - پدر صاحب عبقات - در رد باب دوازدهم تحفه.
۲۷. الهدية السنّية فی ردّ تحفة الإثنی عشریة از مولوی میرزا محمد هادی لکهنوی، به زبان اردو.^۱

ردیه‌هایی بر مختصر تحفه

کتاب تحفه اثناعشریه به زبان عربی ترجمه شد و آلوسی آن را تلخیص کرد و المنحة الإلهیة نامید.

چند تن از علمای عراق بر آن ردیه نوشتند، از جمله:

۱. بیان تصحیف المنحة الإلهیة از شیخ مهدی خالصی (متوفای ۱۳۴۳ق).
۲. میزان الحق از شیخ باقر تستری کاظمی (متوفای ۱۳۲۶ق).
۳. نقض المنحة الآلوسیة از محمد بن طاهر فضلی سماوی (متوفای ۱۳۷۰ق).

۱. شماری از ردیه‌های تحفه در متن کتاب معرفی شده است که آنها را در این فهرست نیاورده‌ایم. در تدوین این فهرست از سه منبع زیر بهره برده‌ایم:

(الف) فهرست کتب شبهات و ردیه‌های علمای شیعه در شبهه قاره هند، از سید شهسوارحسین نقوی مروهی، چاپ وزارت ارشاد، ۱۴۱۹ق. البته این اثر کارچندان دقیق و استواری نیست.

(ب) کتابیات علیه امامیه در پاکستان، از سیدحسین عارف نقوی، چاپ دار التبلیغ امامیه، اسلام آباد، ۱۴۲۰ق.

(ج) مقدمه تشیید المطاعن، از پدر صاحب عبقات، چاپ بی‌نا، بی‌تا.

نیم نگاهی به کتاب تحفه

از ادیبی خواستند که در مقایسه مولای متقیان با غاصبان خلافت سخن بگوید، او نیز آیات بسیار نغزی سرود و در یکی از مصراع‌ها گفت:

لستُ أقول التَّبرَ أفضلَ من تراب

هرگز نمی‌گویم که طلا از خاک برتر است.

اگر کسی خاک را با طلا مقایسه کند، جهالت خود را می‌نماید. ما نیز اگر بخواهیم کتاب گران‌سنگ عبقات را با کتاب تحفه اثناعشریه مقایسه کنیم، از جهالت و نادانی خود پرده برمی‌داریم. شاهد این سخن ۱۴۰ تناقض و اشتباهی است که محققان فاضل از بررسی ۲۰ صفحه از کتاب بی‌نظیر تشیید المطاعن (اثر سید محمدقلی، پدر صاحب عبقات) به دست آورده‌اند.^۱

این نکته را از آن جهت متذکر شدم که خوانندگان گرامی نپندارند دهلوی در تألیف کتاب تحفه حقایق تابناکی گرد آورد و علمای شیعه ناچار شدند برای رد آن و اثبات سستی سخن او به صدها منبع بنگرند،^۲ بلکه باید خدای را سپاس گویند و این جمله معروف ورد زبان‌شان باشد که:

الحمد لله الذي جعل أعداءنا من الحمقاء؛

سپاس خداوندی را که دشمنان ما را از ابلهان قرار داد.

مؤلف تحفه اولاً این کتاب را از کتاب دیگری به نام صواقع خواجه نصرالله کابلی دزدید و به نام خود منتشر کرد و ثانیاً چون نسب مؤلف به معمار سقیفه می‌رسد، خود را فاروقی معرفی می‌کند، در حالی که میان حق و باطل فرق نمی‌گذارد.

حجت تاریخ، مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی، در معرفی کتاب التزهة می‌نویسد:

۱. ر.ک: کنعوری، تشیید المطاعن، ص ۶۴-۱۶۲.

۲. حکیمی، میر حامد حسین، ص ۱۱۷.

اصل تحفه، از تألیفات عبدالعزیز بن شاه ولی الله دهلوی «فاروقی» لقباً لا معناً است. یعنی نامش فاروقی است، ولی خودش اهل تمیز نیست.

وی سپس توضیح می‌دهد:

او حق را از باطل تشخیص نمی‌دهد، فلسفه تشیع را نمی‌شناسد، حتی به سخنان پوچ تسنن نیز متعهد نیست، او میان پوست و مغز سرگردان است و مانند شخص نابینا گام می‌سپارد.^۱

باری، کتاب تحفه ارزش پاسخگویی نداشت و به تعبیر معروف، جواب ابلهان خاموشی است، اما علامه بی‌نظیر دوران، با تألیف عبقات خواست به همه منتقدان شیعه در طول تاریخ پاسخ دندان‌شکن بدهد تا دیگر کسی جرئت نقد آموزه‌های تشیع را نداشته باشد.

عبدالعزیز دهلوی نه فقط کتاب تحفه، بلکه کتاب دیگرش بستان المحدثین نیز دزدی است. او آن را از کتاب مفتاح کنز الدراية رواية المجموع من درر المجلد المسموع تاج الدین دهان سرقت کرده است.

بیشتر مطالبی که وی در کتاب تحفه نقل کرده دزدی یا دروغ است؛ نمونه‌هایی در ادامه می‌آیند:

۱. در مورد حدیث طبر به دروغ می‌نویسد: آن را ابن جوزی در موضوعات آورده است؛

۲. از یحیی بن معین به دروغ نقل می‌کند که حدیث «أنا مدينة العلم» اساس ندارد؛

۳. از ترمذی به دروغ نقل می‌کند که حدیث «أنا مدينة العلم» اصل ندارد؛

۴. به دروغ به ابن جزری نسبت می‌دهد که در حدیث «مدينة العلم» مناقشه کرده

است؛

۵. حدیثی را در فضیلت شیخین از صحیح مسلم و بخاری می‌آورد که دروغ است؛

۱. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۲۴، ص ۱۰۸.

۶. سخن بیهقی را در مورد حدیث «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ...» انکار می‌کند؛
۷. از قول فخر رازی به دروغ نقل می‌کند که ابن اسحاق حدیث غدیر را نقل نکرده
است، در حالی که ابن اسحاق از راویان حدیث غدیر است.^۱
مصدق «وَأَعْطِيَتْ غَايَةَ الْمَجْهُودِ»

در زیارت نامه قمر منیر بنی هاشم جمله‌ای وجود دارد که ظاهراً برای هیچ فردی
نیامده است:

وَأَعْطِيَتْ غَايَةَ الْمَجْهُودِ^۲

شهادت می‌دهم که نهایت تلاش ممکن را انجام دادی.
همه شهدای کربلا تمام توان خود را در دفاع از سالار شهیدان به کار بستند، ولی
این تعبیر فقط در مورد حضرت ابوالفضل علیه السلام آمده است.

همه علمای شیعه در مقام دفاع از حریم ولایت، نهایت تلاششان را کرده‌اند و
چیزی فرو نگذاشته‌اند، اما صاحب عبقات از مصادیق بارز این جمله است؛ یعنی
آنچه امکان داشت، انجام داد. اگر چیزی انجام نداد، در توانش نبود؛ زیرا هر چه در
توان داشت را به کار گرفت. یکی از مؤیدات این ادعا داستان نوکری ایشان در نزد
یکی از علمای اهل تسنن است.

این شخصیت بسیار مهم جهان تشیع وقتی مطلع می‌شود که یکی از کتاب‌هایی
که نیاز دارد، در کتابخانه شخصی یکی از علمای سنی مدینه منوره است، رخت سفر
می‌بندد و با جمعی از دوستان و ازادتمندان به زیارت خانه خدا مشرف می‌شود. پس
از انجام مناسک حج، به همراهان می‌گوید: «شما بروید، من مدتی باید در این شهر
بمانم». آن‌گاه به نزد آن عالم سنی می‌رود و نوکری او را بر عهده می‌گیرد و با او توافق
می‌کند که شب‌ها در کتابخانه بخوابد. در تمام این مدت، نهایت تقیه را رعایت می‌کند

۱. میلانی، نفحات الأزهار، ج ۱، ص ۶۳.

۲. شیخ مفید، مناسک المزار، ص ۱۰۸.

و در خدمت به آن عالم بسیار می‌کوشد و حتی نگهداری از بچه آن عالم را بر عهده می‌گیرد. شب‌ها که برای استراحت به کتابخانه می‌رود به استنساخ آن کتاب مشغول می‌شود و با آنکه آن کتاب بسیار مفصل بوده است، از جزء جزء آن نسخه برمی‌دارد. او از یک نجار شیعه می‌خواهد که جعبه‌ای برایش بسازد، سپس هر جزئی که می‌نویسد را در آن جعبه قرار می‌دهد تا استنساخ کتاب به پایان می‌رسد. پس از اتمام کار از آن عالم اجازه می‌گیرد که به هندوستان سفر کند و به اقوام خود سری بزند. با موافقت ایشان، از مدینه حرکت می‌کند و با کشتی عازم هندوستان می‌شود. در اثنای راه دریا طوفانی می‌شود و جعبه به دریا می‌افتد. میر حامد حسین رحمته الله خود را به دریا می‌اندازد و آن جعبه را از میان امواج دریا بیرون می‌آورد. سرنشینان کشتی کمکش می‌کنند و او را نجات می‌دهند.

آن عالم سنی وقتی از داستان استنساخ کتاب مطلع می‌شود، برای تعقیب ایشان اقدام می‌کند، ولی راجه^۱ هندوستان که به میر حامد حسین رحمته الله ارادت داشت از او حمایت می‌کند.

آیت الله شبیری زنجانی پس از نقل این داستان می‌نویسد:

سید محمد سعید، نوه میر حامد حسین، سفری به قم آمد و با مرحوم والد دید و بازدید داشت. آقای قوامی که میزبان ایشان بود، از سید محمد سعید نقل کرد که الان همان نسخه موجود است و در گوشه‌های آن اثر آب خوردگی دیده می‌شود.^۲

آیت الله شبیری زنجانی در ادامه، چند نکته در مورد خاندان علامه میر حامد حسین رحمته الله بیان کرده است که برای تکمیل فایده نقل می‌کنیم:

۱. اغلاط خلفا

از مرحوم آیت الله حاج آقا رضا صدر شنیدم که می‌گفت:

۱. راجه: لقب حاکم و فرمانروای قسمتی از هند (دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، واژه "راجه").

۲. شبیری زنجانی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۳۵۰.

در جلسه مجلس ختمی که شیعه و سنی حضور داشتند و میر حامد حسین رحمه الله در آن جلسه حاضر بود، یکی از قاریان، قرآن را غلط می خواند، سنی ها تحقیر و تعبیر می کنند که قاریان شیعه، قرآن بلد نیستند. میر حامد حسین رحمه الله نوکرش را صدا می کند و می گوید: «یک ورق کاغذ بیاور». نوکر کاغذی می آورد و ایشان مطالبی می نویسد و به نوکر می دهد. مضمون مطالب این بود که این قاری عوام است و غلط خواندن او چندان اهمیتی ندارد. سپس مواردی را که عمر یا یکی دیگر از خلفا قرآن را غلط خوانده اند و در کتب سنی ها ذکر شده است، فهرست می کند. چون در آنجا جلسات ختم قرآن حدود دو ساعت طول می کشید، در این فاصله کاغذ را تکثیر می کنند و وقتی آنها از جلسه بیرون می آمدند، به هر نفر یکی از این ورقه ها را می دهند.^۱

۲. ده ها ماده تاریخ

سید ناصر حسین، فرزند علامه میر حامد حسین رحمه الله، ۵۵ سال بعد از میر حامد حسین رحمه الله در سال ۱۳۶۱ هجری از دنیا رفت. مجالس ختم او شش ماه متوالی طول کشید. در آخرین مجلس ختم اعلامیه ای درباره سید ناصر حسین منتشر کردند که در آن اعلامیه، هفتاد - هشتاد ماده تاریخ نوشته بودند که همگی مساوق با تاریخ وفات او، یعنی به حساب ابجد ۱۳۶۱، بود.

پسر سید ناصر حسین (محمد سعید، نوه میر حامد حسین رحمه الله) که مهمان مرحوم والد بود، یکی از آن اعلامیه ها را برای مرحوم والد آورده بود. آن ورقه در منزل مرحوم حاج آقای والد بود و ایشان چون خیلی خوش سلیقه بود، این جور چیزها را خیلی خوب نگه می داشت.^۲

۳. احترام آیت الله حجت به سید محمد سعید

مرحوم سید محمد سعید، فرزند سید ناصر حسین (نوه صاحب عبقات)، به منزل

۱. شبیری زنجانی، جرعه ای از دریا، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲. همان.

پدرم رفت و آمد داشت. شبی در روضه منزل پدرم شرکت کرد. آن شب مرحوم آیت الله حجت نیز تشریف داشتند. طلبه‌ای با آیت الله حجت قرار داشت که در آن شب به دست آقای حجت معمم شود. آقای حجت به آقای آقا سید محمد سعید واگذار و آن طلبه به دست ایشان معمم شد.^۱

۴. عزاداری در هندوستان

مرحوم حاج آقای والد از مرحوم آقا سید محمد سعید قضیه‌ای راجع به عزاداری امام حسین علیه السلام در هندوستان نقل کرد و فرمود:

هندوها و بودایی‌ها به امام حسین علیه السلام خیلی ایمان دارند. یکی از آنها اولاددار نمی‌شد، نذر عزاداری کرد و اولاددار شد. کار او این بود که شیعیان را در عزاداری اطعام می‌کرد، به این نحو که هزینه آن را پرداخت می‌کرد و خود مباشر اطعام نمی‌شد. آن بچه در چهارده سالگی از دنیا رفت. خیلی ناراحت شد. همسرش به او گفت: «ناراحت نباش؛ تو این بچه را از امام حسین علیه السلام گرفتی، حالا هم به آن حضرت توسل کن، او بچه را زنده می‌کند». مجلس برپا کردند و عزاداری نمودند و بچه زنده شد.^۲

۵. پدر صاحب عبقات

آقای آسید محمد قلی - پدر میر حامد حسین رحمته الله علیه - بنیان‌گذار مکتب کلامی میر حامد حسین رحمته الله علیه و امثال او است. از علامه امینی شنیدم که می‌گفت: «ایشان مبتکر این مباحث می‌باشد».

مثلاً سنی‌ها به شیعه‌ها ایراد می‌گرفتند که فلان حدیث مسند نیست، چون راوی آن در زمان وفات مروی عنه چهار ساله بود و نمی‌تواند از او نقل حدیث کند. آقا سید محمد قلی - مثلاً - هفتاد مورد ذکر می‌کرد که راوی در زمان وفات مروی عنه چهار ساله

۱. شبیری زنجانی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲. همان.

بود و علمای اهل سنت به آن احادیث عمل کرده‌اند.^۱ حتی بعد از به وجود آمدن اینترنت و دسترسی آسان به منابع، هیچ فرد محققى سراغ نداریم که بتواند مثلاً هفتاد راوی حدیث را پیدا کند که به هنگام وفات مروی عنه چهار ساله بوده باشند، ولی پدر صاحب عبقات، دو قرن پیش و با امکانات محدود آن زمان، توفیق چنین تحقیق شگرفی را داشته است. همچنین در دوران شکوفایی اینترنت و وجود فهرست‌های فنی منابع حدیثی و تاریخی، محققى را سراغ نداریم که بتواند ده‌ها مورد را گرد آورد که یکی از خلفای غیر راشد، قرآن را غلط خوانده‌اند، ولی میر حامد حسین رحمته الله در آن زمان در یک جلسه و بدون مراجعه به منبع، با اتکا به حافظه، ده‌ها مورد از قرائت‌های غلط خلفا را در ورقه‌ای می‌نویسد و به دست معاندان می‌دهد.

صاحب عبقات بیش از شصت سال عمر نکرد، ولی در تمام عمر کوشید و از ولایت مولای متقیان علیه السلام دفاع جانانه کرد.

یکی از خاورشناسان گفته بود: «شیعیان بسیار دروغ‌پردازند؛ آنان می‌گویند کتاب جواهر الکلام را یک نفر تألیف کرده است. مگر ممکن است یک نفر بتواند کتابی به این عظمت تألیف کند». کتاب عبقات الأنوار نیز در این سطح است. اگر کسی با این کتاب آشنا باشد، احتمال نمی‌دهد که این کتاب با این عظمت را فقط یک نفر سامان داده باشد. علاوه بر اینکه ایشان آثار ارزشمند فراوان دیگری نیز از خود به یادگار نهاده است.

مرحوم میر حامد حسین رحمته الله تمام وقت خود را وقف این کار کرد. آن قدر می‌نوشت که دست راستش از کار می‌افتاد، آن‌گاه با دست چپ می‌نوشت. او آن قدر به این منوال به نوشتن ادامه داد تا اینکه هر دو دستش از کار افتاد؛ پس از آن، مطالب را املا می‌کرد و شاگردانش می‌نوشتند.^۲

۱. همان، ۳۵۴.

۲. ر.ک: سعادت حسین خان، ضیاء العین در تاریخ زندگانی حامد حسین، ص ۶۷.

محققان معتقدند که تألیف این کتاب از عهده یک نفر خارج است و به نوعی کرامت به شمار می‌رود. میر حامد حسین رحمته یک‌تنه به جنگ دهلوی رفت. او برای این کار بر مزار شهید قاضی نورالله شوشتری^۱ به حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - متوسل شد و از آن حضرت مدد خواست. حجت خدا نیز به خوبی مدد کرد و این اثر، به این زیبایی، به انجام رسید.

نمی از یم

آنچه در این کتاب و در این پیشگفتار آمد، نمی از یم، اندکی از بسیار، مشتی از خروار و کلمه‌ای از هزار سخن گفتنی درباره عظمت کتاب شریف عبقات و شخصیت والای صاحب عبقات است. درباره شخصیت ایشان تا کنون ده‌ها کتاب مستقل تألیف و صدها مقاله و پایان‌نامه منتشر شده، اما هنوز سخنان بسیاری ناگفته و دُرهای فراوانی ناسفته مانده است.

پس از انتشار کتاب شریف عبقات الأنوار تقریظ‌های فراوانی از سوی علمای شیعه و سنی در مدح و ستایش این کتاب منتشر شد که تعدادی از آنها در کتاب سواطع الأنوار فی تقریظات عبقات الأنوار گردآوری شد و در سال ۱۳۰۳ ق در لکهنو انتشار یافت. برخی دیگر به پیوست مکاتبات و مراسلات صاحب عبقات در دو مجلد با عنوان مختصّات‌نا به چاپ رسید. همچنین پس از ارتحال جانگداز میر حامد حسین رحمته، شعرای اهل بیت صدها سوگنامه در سوگ ایشان سرودند که قسمتی از آنها در کتاب القصائد المشکلة فی المراثی المَثکَلَة در سال ۱۸۹۱ میلادی در هند به چاپ رسید. خداوند مرحوم سید هادی حسینی را غریق بحار رحمت خود بگرداند که برای سامان بخشیدن به این ارج‌نامه و ترجمه قصاید مذکور تلاش وافر کرد، ولی دریغ و افسوس که روزگار فرصت دیدن انتشار این اثر را به او نداد. ایشان در مرداد سال ۱۴۰۰

۱. مضجع منور و حرم مطهر قاضی نورالله شوشتری در شهر «آگرا» از شهرهای بزرگ هندوستان است. این حقیر در سال ۱۳۵۹ ش توفیق زیارت آن مرقد مطهر را یافتم.

هجری شمسی بدرود حیات گفت و پیکرش در بهشت حضرت رضا علیه السلام، در قطعه هنرمندان و فرهیختگان به خاک سپرده شد؛ روحش شاد.

امیدواریم انتشار اثر حاضر از سوی «کنگره بین المللی بزرگداشت علامه میر حامد حسین لکهنوی رحمته الله» موجب قرب ظهور حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - و تقرب بانیان و افراد تأثیرگذار در نشر این اثر باشد؛ ان شاء الله.

۱۸ صفر الخیر ۱۴۴۳ هجری قمری

مصادف با یکصد و شانزدهمین سالروز

ارتحال مرحوم میر حامد حسین رحمته الله

علی اکبر مهدی پور

پیشگفتار

علامه سید میر حامد حسین موسوی نیشابوری لکهنوی^۱ هندی رحمته الله علیه، مانند بسیاری از بزرگان سلف، زندگی نامه خودنوشت (به معنایی که در روزگار ما مرسوم است) ندارد، اما می توان از سخنان نزدیکان وی درباره احوالات شخصی او به مطالبی دست یافت. فرزند دانشمندش، ناصر حسین (که با وی به سر می برد و هوش سرشاری داشت) هنگام رحلت پدر ۲۲ ساله بود و از جزئیات زندگی علمی پدر آگاهی هایی در ذهن داشت. میر حامد حسین رحمته الله علیه با بزرگان علما مکاتبه داشت و گفته اند که آنها را در کتابی گرد آورد و مختصّاتنا نامید،^۲ هرچند از بعضی نقل ها برمی آید که بخشی از مکاتبات بر اثر بی توجهی، پس از درگذشت وی از دست رفته اند. در کتاب إسفار الأنوار عن وقایع أفضّل الأسفار که خاطرات وی از سفر حج و زیارت عتبات عالیات و احتمالاً سفر به یمن و خرید نسخه های خطی از آنجا (که در آن روزگار محل پر رونقی در این عرصه بود) است نیز می توان اطلاعات شایان توجهی یافت.

با توجه به روزگار میر حامد حسین رحمته الله علیه و رواج کتاب تحفه اثناعشریه (اثر عبدالعزیز دهلوی) که در آن زمان در هند سر و صدایی به راه انداخت و ده ها کتاب از سوی علمای شیعه در رد آن نگاشته شد (و نیز دیگر شواهد و قرائن)، به نظر می رسد که سراسر زندگی میر حامد حسین رحمته الله علیه و مشکلاتی که در جریان نگارش کتاب هایش با

۱. لکهنو: پایتخت ایالت «اوتارپرداش» در هند است که طبق سرشماری سال ۲۰۱۰م نزدیک به ۳ میلیون نفر جمعیت داشت.

۲. طباطبایی، «الغدير في التراث الإسلامي»، ترائد، شماره ۲۱، ص ۲۵۶-۲۵۷.

آنها مواجه می شد، آکنده از ماجراهای درس آموز و شنیدنی و حکایت ها و طرفه هایی بوده است که می تواند لحظه هایی انسان را در عالم خود سیر دهد تا در زمان سفر کند و بیندیشد و پند آموزد. در نوشته ای از وی (که از حوادث ناخوشایند روزگار مصون مانده است) می خوانیم:

فقیر حقیر از مدت ۲۵ سال کم و بیش در تصنیف کتب و اسفار، در رد مخالفین اشرار و معاندین تعصب شعار، مشغول می باشم و در این مدت - بحمد الله و حسن توفیقه - کتب عدیده و مصنفات فخمه (که قلع اساس مذهبشان کرده و سیلاب فنا به مشربشان سر داده) تصنیف کردم که جمله ای از آن چاپ شده و در اکناف و اصقاع اطراف بقاع دایر و سائر گردید و تا عراق حجاز و عجم هم رسیده، و مؤلفین و مخالفین به مدح و ثنا و تبجیل آن عذب البیان و رطب اللسان گردیده اند...

و اگر از مساعی و اهتمامات خود و اسلاف کرام خود در این باب شمه ای بنویسم، دفتر طولانی برای اظهار آن می باید و شاید محمول بر تصنع و تکلف و تزکیه نفس گردد، ورنه فقیر معترف [به] حقارت و دنائت و قلت بضاعت و فقد استطاعت خود هستم...

و تصانیف صحیحه مفیده و این اسفار طویله سدیده، محض به تأیید الهی و امداد و انجاد و اسعاد حضرات ائمه امجاد - صلوات الله وسلامه علیهم - إلى يوم التئاد - سرانجام یافته؛ و إِلَّا فَمَنْ أَنَا وَمَا خَطَرِي؟ (وگرنه من که باشم و چه کاره ام؟)^۱

تقدیر بر این بود که روزی سرورم جناب آقای حاج ناصر بندار (که به بنده نظر لطف دارند) به همراه دوست ارجمندم پژوهشگر خردمند، آقای علی شکوهی^۲ (فرزند

۱. دستیابی به این دست خط را مرهون لطف خالصانه فرهیخته معزز، حجت الاسلام آقای مهدی اسفندیاری هستم.

۲. دسترسی به شماری از منابع این کتاب به کمک ایشان برایم فراهم آمد. از وی بابت این لطف و بزرگواری سپاس گزارم.

زنده‌یاد شاعر مخلص، حاج هاشم شکوهی)، به منزل اینجانب تشریف آوردند و به نقل از استاد فرزانه، حجت الاسلام استاد سید علی شهرستانی (از مدافعان کم نظیر مکتب اهل بیت علیهم السلام در حوزه معارفی، به ویژه فقهی، که چند سال پیش سفری به هند نیز داشتند)، فرمودند که یکی از سلاله‌های میر حامد حسین رحمته الله علیه از حوزه‌های علمیه ایران و اندیشمندان آنها گله‌مند بودند که نیاکان ایشان برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ترویج معارف شیعی و دفاع از مذهب از آسایش و رفاه چشم پوشیدند و زحمات توان فرسایی را به جان خریدند و آثاری گران سنگ و جاودان برجای نهادند، اما در ایران که مرکز تشیع است از آنان چندان یاد نمی‌شود و کارشان را ارج نمی‌نهند.

البته شاید آن بزرگ اندکی غفلت داشت و در جریان کارها و تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده‌اند (بدان گونه که بایسته است) نبود؛ زیرا در قرن اخیر بیشترین فعالیت‌های پژوهشی و علمی در این باره، در ایران سامان یافته است، از جمله:

- نویسنده توانا و ابرمرد بحث‌های معارفی و حیانی ایران (در عصر حاضر)، استاد بی بدیل، یگانه روزگار، عالم ربانی، علامه محمدرضا حکیمی با تمجید فراوان از صاحب عبقات، با خامه توانا و زیبای خویش کتابی را با عنوان میر حامد حسین نگاشت و در عرصه مسائل فرهنگی و اجتماعی، نام میر حامد حسین رحمته الله علیه را بر سر زبان انداخت و زحمت‌ها و کوشش‌های او را بسی ارج نهاد.

- سه تن از محققان، آقایان برات علی سخی داد و میر احمد غزنوی و غلام علی بامیانی، به کاری بس بزرگ دست زدند و کتاب ارزشمند تشیید المطاعن (اثر سید محمدقلی، پدر میر حامد حسین رحمته الله علیه) را با پژوهشی شایان قدردانی احیا کردند و در شانزده جلد به چاپ رساندند. همچنین در جلدی جداگانه به عنوان مقدمه، افزون بر معرفی خاندان میر حامد حسین رحمته الله علیه، نکات سودمندی را درباره این کتاب خاطرنشان کردند و جلوه‌های ناب‌ی از این اثر بی نظیر را نمایانند.

- آیت الله سید علی میلانی (نوه مرجع بزرگ آیت الله سید محمدهادی میلانی رحمته الله علیه)

کتاب عبقات الأنوار را خلاصه و تعریب کرد و پس از ساماندهی و چند بار چاپ آنها، آن را در بیست جلد با نام نفحات الأزهار به چاپ رساند. می توان چند ترجمه فارسی نفحات الأزهار از افراد مختلف را نیز یادآور شد. استخراج المرام من استقصاء الإفحام و تحقیق کتاب الإمام الثانی عشر علیه السلام (اثر سید محمد سعید، نوه میر حامد حسین رحمته الله علیه) از دیگر کارهای علمی آیت الله میلانی است.

- چاپ کتاب إفحام الأعداء والخُصوم بتکذیب ما افتروه علی سید تنأُم کلثوم (اثر سید ناصر حسین) به اهتمام دکتر محمد هادی امینی (فرزند نادره دوران، علامه عبدالحسین امینی صاحب کتاب الغدير) و مقدمه ارزشمند آقای امینی، همراه با تمجید فراوان از سید ناصر حسین و خاندانش و ذکر عباراتی بلیغ در عظمت آنان، از دیگر فعالیت ها در این میدان و سپاس از این تبار اصیل و نجیب به شمار می آید.

- تحقیق غلام رضا مولانا بروجردی رحمته الله علیه درباره بخش مهمی از کتاب عبقات و چاپ آن، همراه با معرفی خاندان میر حامد حسین رحمته الله علیه در آغاز جلد اول را می توان به کارهای انجام شده در این زمینه افزود.

- تحقیق آقای طاهر سلامی درباره کتاب شوارق التصوص (اثر میر حامد حسین رحمته الله علیه) و تقویت مستندات آن از دیگر اقدامات ارزشمند پژوهشگران حوزه علمیه ایران است.

- تألیف کتاب میر حامد حسین پاسدار ولایت (اثر ابراهیم اسلامی)، نگارش سه مقاله جداگانه در شرح حال میر حامد حسین رحمته الله علیه، سید ناصر حسین و سید محمد قلی به قلم سیره نگار موفق، آقای ناصرالدین انصاری (و چاپ آن در مجله مسجد و نیز در کتاب اختران فقاہت)، ترجمه کتاب مطلع انوار (اثر مرتضی حسین) از سوی محمد هاشم، معرفی میر حامد حسین رحمته الله علیه و کتاب عبقات در فصل نامه ها و مجلات و روزنامه ها بیانگر قدردانی ایرانیان (به ویژه حوزه علمیه) از میر حامد حسین رحمته الله علیه و خاندان او و آثار علمی آنان است.

چاپ های متعدد جلدهای مختلف کتاب عبقات، پژوهش و چاپ آراسته چند

جلد آن از سوی بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، دعوت از بازماندگان میر حامد حسین رحمته‌الله برای شرکت در همایش‌ها و نیز برگزاری همایش و پیش‌همایش در نکوداشت وی نمودی دیگر از گوه‌رشناسی ایرانیان و بزرگداشت فراسرزمینی عالمان شیعه از سوی آنها است.

تهیه نرم‌افزاری با عنوان «مجموعه آثار میر حامد حسین رحمته‌الله» (که در آن تمام مجلدات چاپ‌شده عبقات هست) با امکانات چون جست‌وجوی ساده و پیشرفته از سوی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نشانه باشکوه دیگری از این قدرشناسی است.

همچنین به همت واحد احیای تراث بنیاد بین‌المللی امامت، تصاویر نسخه‌های خطی کتب علامه میر حامد حسین رحمته‌الله در موضوعات فقهی، کلامی، تراجم، مسودات (فیش‌ها) و دیگر آثار علامه و همچنین آثار خاندان علامه میر حامد حسین رحمته‌الله، مشتمل بر مکاتبات، تقریظات، آثار کلامی و فقهی در مجموعه بانک نسخ خطی بنیاد گردآوری شده است. قرار است این مجموعه در یک نسخه DVD با عنوان «مجموعه آثار علامه میر حامد حسین رحمته‌الله و خاندان صاحب عبقات» در کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه، رونمایی و به پژوهشگران و محققان عرضه شود.

دبیرخانه کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه میر حامد حسین رحمته‌الله بیش از ۱۰ سال است که به تحقیق و تصحیح آثار مدرسه لکهنو (با محوریت آثار صاحب عبقات و خاندان ایشان) مشغول است که مجموعه آثار آنها در حدود یکصد جلد (دربردارنده بخش آیات عبقات و دیگر احادیث منهج دوم) همزمان با برپایی کنگره انتشار خواهد یافت. کارهای فراوان دیگری نیز انجام شده که نگارنده از آنها اطلاعی ندارد.

باری، جناب آقای حاج ناصر حسین‌پور بندار (که از شیفتگان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است و به‌ویژه ارادت خاصی به مولای متقیان، امام علی علیه‌السلام، در وجودش موج می‌زند و در عرصه خدمت به این خاندان - بحمدالله - توفیقات فراوان دارد و به این نوکری افتخار می‌کند) از این حقیر خواست که مقاله آیت الله سید علی میلانی را که در شرح

حال میر حامد حسین رحمۃ اللہ علیہ و کتاب عبقات در مجله تراثنا چاپ شده بود به فارسی ترجمه کنم و ایشان آن را به چاپ برساند تا گام کوچکی در توجه به آن گلایه باشد. این کار به انجام رسید و خدمت ایشان تقدیم شد. ایشان پس از ملاحظه، تذکراتی را درباره نقل آیات و روایات و ترجمه آنها و معرفی کوتاه شخصیت‌هایی که بر عبقات تقریظ نوشته‌اند مرقوم فرمودند.

در آغاز، به دلیل گوناگونی آثاری که در این زمینه نگارش یافته‌اند و بارها تکرار شده‌اند از بازنویسی آن طفره می‌رفتم، اما چون اصرار آقای بندار را دیدم، تصمیم گرفتم با نگاهی دوباره به نگاشته‌ها، کتابی را سامان بخشم و از محذور تصرف در متن آن مقاله مصون بمانم و نیز بتوانم مطالبی را به آن بیفزایم.

با تیزبینی و تذکرات جناب آقای بندار افزودن‌ها و کاستن‌های چندباره‌ای صورت گرفت و نیز به همت ایشان قرار شد اشعاری از شاعران و مداحان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، عکس‌هایی از آرامگاه میر حامد حسین رحمۃ اللہ علیہ و خاندانش، عکس‌هایی از آثار آنان و نیز عکس‌هایی از شماری از کسانی که بر عبقات تقریظ نوشته‌اند یا میر حامد حسین رحمۃ اللہ علیہ و کتاب عبقات را ستوده‌اند و کسانی که در این عرصه قلم زده‌اند فراهم آید و ضمیمه این کتاب شود.

از دست‌اندرکاران «کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه میر حامد حسین رحمۃ اللہ علیہ» که قرار است این کتاب را به زیور چاپ بیاورند و انتشار دهند، متشکرم. از جناب آقای بندار که بی‌منت، زحماتی را برای سامان این اثر به جان خرید و هزینه‌های آن را برعهده گرفت، نهایت سپاس را دارم. از دوست ارجمندم، آقای علی شکوهی (نویسنده کتاب علل دین‌گریزی که تاکنون بارها تجدید چاپ شده است) سپاس‌گزارم که این کتاب را از نظر گذراند و نکاتی را یادآور شد. قدردان زحمات آقایان سید علی و سید محمد معلم هستم که با حوصله و دقت در تایپ این اثر و اعمال اصلاحات آن، از هیچ کوششی دریغ نورزیدند.

از الطاف بی‌کران خدای متعال بر این ناچیز سراپا تقصیر این بود که این کتاب (با واسطه خیر شدن جناب بندار) به دست آقای مهدی اسفندیاری افتاد. وی این نوشته را با دقت نگریست و نکاتی را یادآور شد و از اصلاح برخی از اغلاط دریغ نورزید و مرا مرهون بزرگواری و محبت و نظر لطف خویش ساخت. من در این عرصه دستی از دور بر آتش داشتم و آقای اسفندیاری از نزدیک در جریان کارها بود و کم و کیفی را می‌دانست که من از آنها بی‌خبر بودم؛ از این رو تذکراتش را غنیمت شمردم و از نکته‌سنجی و دقت نظرش بسی خرسند شدم و برخی از کاستی‌ها را با راهنمایی وی زدودم.

این نکته را نیز خاطرنشان می‌کنم که از دغدغه‌هایم این بود که بنیاد و مؤسسه‌ای یا کسانی احیای دوره کامل کتاب عبقات الأنوار را به صورت مطلوب - با امکانات عصر حاضر - عهده‌دار شوند. منظورم ویرایش کامل ادبی و فنی کتاب، یعنی استفاده از علایم نگارشی و ضبط بعضی از واژه‌ها، اعراب‌گذاری متون عربی (و ترجمه آنها در پانویس در موارد لازم)، چینش صحیح پاراگراف‌ها، آوردن معنای لغات نامأنوس در پانویس و کارهایی از این دست است (که هنگام ویرایش ضرورت می‌یابد) تا این کتاب با عظمت از هر نظر چشم‌نواز شود و مخاطبان بیشتری را سودمند افتد و چون اثری سترگ در دل روزگار بماند.

البته با ملاحظه دو خبرنامه کنگره بزرگداشت علامه میر حامد حسین لکهنوی رحمته‌الله (شماره اول، مهر ۱۳۹۵ و شماره دوم اردیبهشت ۱۳۹۶ش) و نیز کتابچه‌ای با عنوان مدارس کلامی فقهی شیعه در لکهنو (اثر روح‌الله کاظمی و مهدی اسفندیاری، مربوط به دبیرخانه کنگره بین‌المللی علامه میر حامد حسین رحمته‌الله، چاپ زمستان، ۱۳۹۸ش) که آقای بندار پس از نگارش این اثر برایم آورد و شماری از اطلاعات سودمند آنها را به این کتاب افزودم، دریافتم که موج خروشان از محققان در تکاپوی احیای آثار خاندان میر حامد حسین رحمته‌الله هستند و مؤسساتی چون بنیاد بین‌المللی امامت، بنیاد

پژوهش‌های آستان قدس رضوی و مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه دست در دست هم داده‌اند و به احیای آثار خاندان اجتهاد و خاندان عبقات همت گماشته‌اند. با توجه به اینکه تا کنون ۴۵ جلد از عبقات احیا شده دیگر کارها در حال انجام است و قرار است اقداماتی بس عظیم در این زمینه صورت گیرد، آرزویم را برآورده یافتم و خدا را سپاس گفتم.

مشهد مقدس

جمادی الثانیة ۱۴۴۲ هجری قمری

سید هادی حسینی

سرآغاز

سرزمین پهناور هندوستان با جغرافیا و آب و هوای متنوع و بیش از یک میلیارد جمعیت، از کشورهای مهم جهان به شمار می‌آید. این سرزمین در جنوب آسیا و ساحل شمالی اقیانوس هند قرار دارد. پس از چین، دومین کشور وسیع آسیا است و از نظر جمعیت، بعد از چین، رتبه دوم را دارد. این کشور به سه ناحیه جغرافیایی تقسیم می‌شود:

۱. ناحیه هیمالیا؛

۲. ناحیه حاصل خیز و پر جمعیت گنگ (در جنوب هیمالیا)؛

۳. ناحیه دکن (بخش مرکزی و جنوب هند که بخش گسترده‌ای از آن را فلات دکن و کوه‌های غات تشکیل می‌دهد).

هند از تمدن چند هزار ساله برخوردار است و اقوام گوناگون در آن به سر می‌برند و زبان‌ها و فرهنگ و آیین‌ها و آداب و رسوم مختلفی در آن حکم فرما است. «دراویدی‌ها» از نخستین اقوامی بودند که حدود سه هزار سال قبل از میلاد در دره «سند» سکنا گزیدند و شهرهای متعدد و پرستشگاه‌های گوناگونی ساختند. اینان -بعدها- به دست مهاجمانی که از اطراف به آنجا یورش آوردند، نابود شدند. حدود ۱۶۰۰ سال قبل از میلاد، اقوام هند و اروپایی از راه افغانستان و ایران وارد شبه قاره هند شدند و به نام «آریایی‌ها» بر این سرزمین سیطره یافتند. در قرن هفتم قبل از میلاد، امپراتوری «ماگادها» در ایالت «بهار» (بیهار کنونی) تأسیس شد و آیین‌های «بودا» و «جین» و

زبان و خط «سانسکریت» را رواج داد. سپس سلسله «ماوریا» پدید آمد. بزرگ‌ترین شاه آنها «آشوکا» نام داشت که سراسر هندوستان و افغانستان را به تصرف خود درآورد و در ترویج آیین «بودا» بسیار کوشید. پس از این خاندان، سلسله «سونگا» حکم‌فرما شد، سپس خاندان «کانوا» به حکومت رسیدند.

در عصر مسیحیت، هند در مسیر جدیدی قرار گرفت. قوم «کوشان» هند را به تصرف خویش درآوردند و در سال ۲۴۱ میلادی به طاعت شاپور اول ساسانی (شاهنشاه ایران) گردن نهادند. در سال ۳۰۸ میلادی، خاندان «گوپتا» قدرت را در دست گرفتند و تا سال ۵۵۴ میلادی بر مسند قدرت باقی ماندند. در اواخر قرن ششم میلادی، یک سردار هندی به نام «هرشه» زمام امور هند را به دست گرفت و امپراتوری بزرگی را به وجود آورد که از «آسام» تا «کاتیاوار» را در بر می‌گرفت. پس از مرگ وی، هند تجزیه شد و به دست طایفه‌های گوناگون افتاد.

با ظهور اسلام، هند مدتی در برابر نفوذ مسلمانان مقاومت کرد، اما در سال ۷۱۲ میلادی (اواخر قرن اول هجری) اعراب مسلمان اطراف رود سند و ناحیه مولتان (در پاکستان امروزی) را تصرف کردند و در قرن‌های بعد، بر تصرفات خویش افزودند. آیین اسلام در حوزه رود سند (در پاکستان) به سرعت رواج یافت.

در پایان قرن دهم میلادی، سلطان محمود غزنوی عازم هندوستان شد. او سپاهیان جی پال را شکست داد و پس از تصرف پیشاور، تا پنجاب پیش رفت و کشمیر را به تصرف خویش درآورد. وی در یورش‌های دوم و سوم به هند به فتوحات فراوانی دست یازید و معابد بسیاری را ویران ساخت. پیروزی مسلمانان در بیشتر نواحی هند تا زمان سیطره اروپاییان بر هند ادامه یافت.

معزالدین محمد سام غوری - شاه مسلمان هند - در سال ۱۱۹۶ میلادی حکومت نواحی تحت تصرف خود را به قطب‌الدین ایبک واگذارد. پسرش آرام شاه در جنگ با التمش (از سرداران ترک) کشته شد و التمش مملکت دهلی را بنیان نهاد. پس از

وی، هرج و مرج و آشوب در هند رواج یافت و میان افغان‌ها و ترکان بر سر تصاحب متصرفات اسلامی زد و خوردهایی درگرفت. سرانجام افغان‌ها بر ترک‌ها پیروز شدند و جلال‌الدین فیروز خلجی در سال ۱۲۹۰ میلادی سلسله خلجیان را تأسیس کرد. جلال‌الدین در سال ۱۲۹۲ میلادی مغولان را شکست داد، اما در سال ۱۲۹۶ میلادی به دست برادرزاده و دامادش، علاءالدین خلجی، به قتل رسید. علاءالدین به فتوحات خویش ادامه داد و تا دماغه جنوبی هند (مقابل جزیره سیلان) پیشروی کرد. پس از علاءالدین، ملک کافور به سلطنت رسید و به دست خسروخان کشته شد. خسرو شاه (پس از اندک زمانی) به دست غیاث‌الدین تغلق به قتل رسید و خاندان تغلقیه از سال ۱۳۲۰ تا ۱۴۱۲ میلادی بر هند فرمانروایی کردند.

محمد بن تغلق که در سال ۱۳۳۵ به سلطنت رسید، از شاهان بزرگ مسلمان هند به شمار می‌آید که تقریباً سراسر هند را به تصرف خویش درآورد. پس از وی، فیروز شاه تغلق به سلطنت رسید و پادشاهی آنان در سال ۱۴۱۲ میلادی با حمله تیمور لنگ منقرض شد. سپس پرتغالی‌ها در هند نفوذ کردند و بر این سرزمین فرمان راندند. در سال ۱۵۲۶ میلادی ظهیرالدین محمد بابر (از نوادگان تیمور) سلسله تیموریان (یا مغولان) هند را بنیان نهاد و به مغول کبیر شهرت یافت. وی آگرا را پایتخت خود قرار داد. پس از او، پسرش همایون شاه حاکم شد. همایون از پس شورش افغان‌ها برنیامد و به دربار شاه طهماسب صفوی در ایران پناه آورد. وی پس از مدتی، با پشتیبانی شاه طهماسب، به هند بازگشت و تاج و تختش را پس گرفت.

بعد از همایون شاه، پسرش اکبر شاه قدرت را به دست گرفت و دوران شکوفایی حکومت تیموریان آغاز شد. اکبر شاه سیطره‌اش را بر دره گنگ استوار ساخت. او از هنر و ادبیات حمایت می‌کرد و هر یک از جانشینانش، از امپراتوران معروف و تأثیرگذار هند شدند. شاه جهان و اورنگ زیب از دیگران شناخته‌شده‌تر هستند که از آنان کاخ‌ها و مساجد زیبا و باشکوه و دژهای عالی، آرامگاه‌های حیرت‌انگیز و باغ‌های

دل‌نواز برج‌مانده است؛ بنای زیبای تاج‌محل یکی از آنها است.

اورنگ زیب از سال ۱۶۵۸ تا ۱۷۰۷ میلادی سلطنت کرد و امپراتوری مغول هند را به اوج توسعه و عظمت خود رساند و سرانجام دوران انحطاط و فروپاشی اش رقم خورد و مراات‌های جنوب غربی هند به رهبری شیواجی علیه او به پا خاستند. مبارزات آنان در سده‌های بعد نیز علیه انگلیسی‌ها ادامه یافت.

قدرت‌های اروپایی برای سیطره بر منابع و ثروت‌های هند حدود دویست سال با هم رقابت کردند تا اینکه انگلستان از حریفانش پیشی گرفت و سلاطین تیموری را دست‌نشانده خود ساخت. در قرن نوزدهم میلادی انگلستان بر دره ثروتمند سند و دشت‌های حاصل‌خیز ساحلی سیطره داشت و باقی‌مانده هند، نزدیک به نیم قرن زیر سلطه مهاراجه‌ها و دیگر امیران موروثی بود.

شورش‌ها و اعتراض‌های پراکنده مردم هند - در نقاط مختلف این کشور - به تدریج با تشکیل حزب کنگره ملی هند در سال ۱۸۸۵ میلادی انسجام یافت. سیاست مبارزه منفی تحت رهبری مهماتما گاندی (در سال ۱۹۱۵ میلادی) توانست افشار مختلف را در مبارزه علیه انگلستان برانگیزد و سرانجام در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ میلادی، انگلستان از هند خارج شد و هند بر اساس دین، به دو کشور پاکستان (مسلمان) و هند (هندو) تقسیم شد. نیز در سال ۱۹۷۰ میلادی نیز پاکستان شرقی از پاکستان غربی جدا شد و بنگلادش نام گرفت. اولین نخست‌وزیر هند جواهر لعل نهرو بود. دختر نهرو، ایندیرا گاندی، نیز پس از مدتی به نخست‌وزیری هند دست یافت. وی در سال ۱۹۸۳ میلادی به دست افراطیان سیخ [سیک] به قتل رسید و پسرش، راجیو گاندی، به رهبری حزب کنگره و نخست‌وزیری هند رسید.^۱

این خلاصه‌ای از تاریخ هند است که فراز و نشیب‌ها و جزئیات آن در کتاب‌های مفصل آمده است.

۱. جعفری، گیتاشناسی نوین کشورها، ص ۴۶۷-۴۶۹ (با اندکی تصرف).

اسلام در هندوستان

علامه عزیزالله عطاردی رحمته الله علیه درباره ورود اسلام به هند می‌نگارد:

دین مقدس اسلام در قرن اول هجری از طریق کرمان و مکران (بلوچستان امروز) به ناحیه سند و از آنجا به هندوستان راه یافت. مبلغین مسلمان و مجاهدین در اطراف و اکناف سند به تبلیغ احکام اسلامی مشغول شدند و مردمان این منطقه... احکام قرآن را پذیرفته و در اندک زمانی ناحیه پنجاب نیز در قلمرو... حکام مسلمین قرار گرفت.

والیان مسلمان از قرن اول هجری تا اواخر قرن چهارم اکثراً عرب بودند و از خلیفه عباسی در بغداد تبعیت می‌کردند. در قرن چهارم خلفای فاطمی مصر و پادشاهان آل بویه در آن نواحی نفوذ کردند و شروع به فعالیت نمودند. تفصیل این حوادث را می‌توان در کتب اسلامی شبه قاره هند و پاکستان (مانند چچ‌نامه، تاریخ فرشته و تحفة الکرام) بررسی کرد.

وی سپس ذیل عنوان «مسلمانان ایرانی در هندوستان» می‌نویسد:

غزنویان نخستین پادشاهان مسلمان فارسی زبان هستند که به هندوستان رفتند و بابت پرستان به جنگ پرداختند و به تبلیغ احکام اسلام مشغول شدند. سلطان محمود غزنوی چند مرتبه به هندوستان لشکر کشید و تا «کجرات» پیش رفت و شهر معروف «سومنا» را گرفت و بت‌خانه آن را ویران ساخت. پس از غزنویان غوریان در هندوستان سلطنت مستقلى پایه‌گذاری کردند و دهلی را برای اولین بار مرکز حکومت اسلامی قرار دادند. در زمان غوریان، اسلام در نواحی شمال هند پیش رفت. شهرهای زیادی در تصرف حکام مسلمان قرار گرفت.

پس از غوریان چند نفر از غلامان آنها به نام «شمس الدین التمش» و «غیاث الدین بلبن» در دهلی به سلطنت رسیدند و سپس چند تن از خلیج‌ها و لودی‌ها و فیروز شاه و محمد تغلق حکومت را در دست گرفتند. سرانجام در قرن نهم

هجری، ظهردالدین محمد بابر، به هند لشکر کشید و حکام محلی را برافکند و سلطنت بزرگی تشکیل داد.

سلطنت تیموریان تا تسلط اروپاییان در هند، دوام کرد.

در قرن دهم هنگامی که سلسله صفویان در ایران سلطنت می‌کردند، گروهی از ایرانیان مهاجر، در هندوستان مرکزی و جنوبی، حکومت‌های محلی تأسیس کردند. اینان عبارت بودند از: قطب شاهیان منطقه دکن، و عادل شاهیان بیجاپور، و عدل شاهیان احمد نگر. این ایرانیان در حدود یکصد و پنجاه سال در جنوب هند سلطنت کردند و سرانجام به دست «اورنگ زیب» منقرض شدند...

از عصر غزنویان تا پایان سلطنت تیموریان (که تقریباً هشتصد سال طول کشید) هزاران فقیه، محدث، عارف، شاعر و سیاستمدار از ایران به هند مهاجرت کردند و مناصب علمی، قضایی و سیاسی را در دست گرفتند.

اکنون در شبه قاره هند و پاکستان، هزاران مسجد، مدرسه، مقبره، کتابخانه، زیارتگاه و خانقاه وجود دارد که از آثار این ایرانیان مهاجر می‌باشند و صدها کتابخانه بزرگ (که حاوی صدها هزار نسخه خطی در فرهنگ و معارف اسلامی تدوین شده) در این کشور بزرگ وجود دارد.^۱

در هر حال، اکنون حدود هشتاد درصد مردم هند پیرو آیین هندو هستند و بقیه از دیگر ادیان و آیین‌ها پیروی می‌کنند. در این میان، اسلام بیشترین سهم را دارد و بیش از سیزده درصد از جمعیت هند مسلمان‌اند. اسلام در قرن اول هجری (و چه بسا در همان دهه‌های نخست) از طریق بازرگانان و تاجران عرب به شبه قاره هند راه یافت. نقل است که گروهی از این تاجران (که مالک بن دینار نیز در میانشان بود) برای زیارت قدمگاه حضرت آدم رهسپار سرانندیب (سیلان) شدند. وقتی به گرنگاتور رسیدند، راجه (حاکم) شهر آنان را خواست و عقایدشان را جويا شد و وقتی عقایدشان

۱. شیخ صدوق، المواعظ، مقدمه، ص ۲-۶.

را تبیین کردند، راجه به اسلام گروید. او همراه آنان با کشتی رهسپار عربستان شد و در بین راه درگذشت، اما پیش از مرگ به کسان خویش سفارش کرد مسلمانان بازرگان را در پیشبرد اهدافشان یاری رسانند. آنان به توصیه راجه، بار دیگر سوی هند رهسپار شدند و توانستند مسجدی بسازند و اسلام را نشر دهند. در واقع، روابط تجاری و بازرگانی میان عربستان و بخشی از سواحل هند، موجب آشنایی آنان با اسلام و گرایششان به آن شد.

در زمان حجاج بن یوسف (اواخر قرن اول هجری)، لشکری بزرگ به فرماندهی محمد بن قاسم (داماد حجاج) برای فتح هندوستان به راه افتاد و شهرها را (یکی پس از دیگری) فتح کرد. گروه زیادی از مردمان این نواحی مسلمان شدند و سرزمین‌های فراوانی تحت سیطره حاکمیت اسلام درآمد.

این روند، در قرن دوم هجری نیز ادامه یافت و با مهاجرت مسلمانان به این سرزمین‌ها و ساخت مساجد و بناهای مذهبی و تبلیغ و ترویج اسلام، رنگ و بوی دیگری یافت و فضای جدیدی شکل گرفت. اموری سبب شدند که شمار زیادی از هندویان به اسلام بگروند؛ از جمله:

- اسلام دین عقل و خرد بود و خرافه و جهل را برنمی‌تافت؛
- اسلام عدل و داد را فریاد می‌کشید و با ظلم و جور می‌ستیزید؛
- اسلام به برابری و برادری فرا می‌خواند، یار و یاور محرومان و بینوایان بود و با تبعیض‌نژادی و طبقاتی مبارزه می‌کرد؛

- کرامت انسان در آیین اسلام جایگاه ویژه داشت و حاکم اسلام را خدمتگزارترین فرد مردمان می‌شمرد و ارزش انسان را به صفاتی چون تقوا، علم، فروتنی، خوشرویی و مهربانی، دستگیری از تهیدستان، انفاق مال، جهاد در راه خدا، گذشت، سخاوت و احترام به دیگران می‌دانست، نه به مواردی چون پول و ثروت، جاه و مقام، قیافه و نژاد و رنگ پوست.

این مفردات، گوهرهای نابی هستند که هر فطرت پاکی را سوی خود می‌کشانند، به‌ویژه در جامعه هندوان آن زمان که تبعیض طبقاتی، آقا و نوکری، ظلم و ستم و رواج انواع خرافه‌ها بیداد می‌کرد.

مرحله بعدی گسترش اسلام در هند را فتوحات سلطان محمود غزنوی رقم زد. مرکز حکومت از غزنه به لاهور انتقال یافت و این شهر حدود یک قرن (از اوایل سده پنجم هجری تا دوران حکومت آخرین پادشاه غزنوی) به پایگاه مهمی برای ترویج فرهنگ اسلام و شعر و ادب فارسی تبدیل شد.

همزمان با گسترش اسلام در هند و نفوذ مذاهب اهل سنت در آن، شیعیانی که در اثر ظلم و ستم و آزار و شکنجه حاکمان سنی خانه و کاشانه را رها می‌کردند و راهی دیار غربت می‌شدند و از عراق و ایران سوی نقاط دورافتاده (به‌ویژه سرزمین هند) می‌رفتند، آیین تشیع را در گوشه و کنار این سرزمین رواج دادند و بذر محبت به اهل بیت پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را در دل‌ها نشانند.

یورش مغولان به شماری از سرزمین‌های اسلامی (مثل ایران و عراق) نیز روند مهاجرت به هند را در دوره‌ای شدت بخشید. برخی از حاکمان هند نیز از این مهاجرت استقبال و از مهاجران حمایت می‌کردند.

دوره دیگر این مهاجرت به زمانی مربوط می‌شود که در مناطقی از هند، حکومت‌های شیعی پا گرفتند و شماری از بزرگان و نخبگان شیعه و سادات را از دیگر سرزمین‌ها به سوی خود کشانند و زمینه را برای فعالیت‌های علمی و مذهب آنان آماده ساختند و حتی به بعضی از آنها پست و مقام دادند.

یازده نواب و پادشاه شیعه (از ۱۱۳۴ تا ۱۲۷۳ق) بر منطقه اوده حکومت کردند. در زمان آنها، گروه بسیاری از خراسان آن زمان به هندوستان رفتند و در لکهنو، پایتخت حکومت آن زمان، سکنا گزیدند. سادات نقوی (اجداد غفران مآب) و سادات موسوی (اجداد میر حامد حسین رحمۃ اللہ علیہ) از این دسته‌اند.

در قرن دوازدهم هجری عبدالرحیم عمری (از صوفیان نقشبندیه) مکتب علمی اهل سنت را در دهلی شکل داد و شاگردانی تربیت کرد که یکی از آنها فرزندش شاه ولی الله دهلوی (پدر عبدالعزیز دهلوی، صاحب تحفه اثنا عشریه) بود. شاه ولی الله بعدها به حج رفت و برای فراگیری علوم یک سال در عربستان ماند. در بازگشت از این سفر، شعار بازگشت به قرآن و سنت و طرد شرک و بدعت را سرلوحه کار خویش ساخت و به عقاید شیعه تاخت و باورهایی چون یاری خواستن از اولیای خدا برای روا شدن حاجت، نذورات برای آنان و سوگند به نام های غیر خدا را شرک شمرد. بر همین اساس بود که فرزندش، عبدالعزیز دهلوی، کتاب تحفه اثنا عشریه را نوشت و اندیشه های شیعه را به تمسخر گرفت و آنها را رد کرد.

اندکی بعد از شکل گیری این مکتب سنی، مکتب علمی شیعه در لکهنو (در سایه حمایت حکومت های شیعی) پدید آمد. لکهنو را به سبب وجود خاندان های شیعی، سرزمین خاندان علم و اجتهاد شیعه در هند می دانند. در عصر حکومت فرمانروایان شیعی اوده، لکهنو به مهم ترین مرکز علمی شیعیان در هند تبدیل شد. پس از آنکه آصف الدوله (سومین نواب اوده) پایتخت را به لکهنو انتقال داد، عزاداری های باشکوهی (در مناسبت های مذهبی) در این شهر برگزار می شد. نقل است که آصف الدوله هر سال بیش از ششصد هزار روپیه را به هزینه عزاداری در ماه محرم اختصاص می داد. قوانین مذهب شیعه، قوانین رسمی محاکم شرعی اعلام شد و بناهای مذهبی فراوانی در لکهنو ساخته شد. در آن دوران، برای شیعیان هند سفر به عراق و ایران برای زیارت امامان علیهم السلام دشوار بود؛ ازاین رو حاکمان شیعه اوده بارگاه ها و ضریح هایی را به شکل بارگاه و ضریح اصلی در این شهر بنا کردند تا مردم در این مکان ها (که امام باره نام یافتند) مراسم مذهبی و عزاداری برپا کنند. هم اکنون در لکهنو ۵۹ امام باره وجود دارد که مراسم عزاداری باشکوه در آنها برگزار می شود.

خاندان اجتهاد (سید دلدار علی نقوی و فرزندانش) و خاندان عبقات (سید

محمدقلی و فرزندانش از جمله میر حامد حسین رحمۃ اللہ علیہ در این فضا رشد و پرورش یافتند و منشأ خدمات عمرانی و میراث علمی بس ارزشمند شدند که سرآمد آن کتاب عبقات الأنوار است. البته در تقابل با مکتب سنی دهلی، هر یک از افراد شاخص این دو خاندان آثار گران‌بهایی نگاشت که همه آنها جزو میراث علمی شیعه و از افتخارات جهان تشیع به شمار می‌آیند. سخن در تبیین و معرفی این آثار فرصت جداگانه‌ای می‌طلبد که بحمدالله، فرزانه‌گانی برخی از آنها را احیا کرده و شناسانده‌اند.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: کاظمی، اسفندیاری، مدرسه کلامی فقهی شیعه در لکهنو. نیز برای آگاهی از رویدادها و جزئیات فراوان حکومت‌ها و اشخاص ر.ک: اطهر رضوی، شیعه در هند؛ عالمی، فتوح اعراب و ترکان در شبه قاره هند؛ عارفی، شیعیان پاکستان.